

در دفاع از خلیل ملکی

(به همراه متن مدافعات در دادگاه نظامی)

دکتر مال قائمی



نشر هزار کرمان

تهران - ۱۳۹۹

سرشناسه	: قائمی، کمال، ۱۳۰۹ - Ghaemi, Kamal
عنوان و نام پدیدآور	: در دفاع از خلیل ملکی/ کمال قائمی؛ ویراستار عقاب علی احمدی.
عنوان	: علی احمدی
مشخصات نشر	: تهران: هزار کرمان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۶۸۸ ص.
فروست	: تاریخ معاصر - ۱
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۲۴-۴
ویرایش	: فیپا
موضوع	: ملکی، خلیل، ۱۳۴۸-۱۲۸۰ -- نقد و تفسیر
موضوع	: سوسیالیسم -- ایران
موضوع	: Socialism -- Iran
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- ملی شدن
موضوع	: Petroleum industry and trade -- Government ownership -- Iran
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۵۷-۱۳۲۰
موضوع	: Iran --- History - Pahlavi, 1941-197۹
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی: ۱۳۰۴-۱۳۲۰ -- اسناد و مدارک
موضوع	: Iran -- History -- Pahlavi, 1925-1941 -- Sources
رده‌بندی کنگره	: DSR ۴۸۶
رده‌بندی دیویی	: ۵۵۱/۲۴۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۲۴-۴

نقل (جز به منظور معرفی و نقد سبب) با مجوز، بازنویسی، چکیده‌نویسی، خواندن در رادیو و تلویزیون، استفاده در سریال‌ها و نمایش‌نامه‌ها، انتشار در اینترنت و هر نوع استفاده دیگر، بی‌اجازه کتبی نویسنده و ناشر ممرع است.

نشر هزار کرمان: تهران، خیابان مارگرجایی، پایین‌تر از میدان پاس‌تور،
خیابان دانشگاه جنگ، پلاک ۱، تلفن: ۶۶۹۲۳۹۲ و ۰۹۱۲۷۳۳۴۲۶۶

Email: nashrhazarkerman@yahoo.com
www.hazarekerman.ir

پست الکترونیک



نشر هزار کرمان

در دفاع از خلیل ملکی

نوشته: دکتر کمال قائمی

ویرایش و نمایه‌سازی: عقاب علی احمدی
حروفچینی: افسانه شاه‌کرمی؛ علی‌اصغر حکم‌آبادی
استخراج نمایه: خسرو هادیان
طرح روی جلد: ابراهیم حقیقی
چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ویرایش تصاویر: خسرو هادیان
لیتوگرافی: کارا، چاپ: غزال، صحافی: علی
ناشر: انتشارات هزار کرمان

فهرست

۷.....	آشنایی من با خلیل ملکی
۸.....	در راه خانه ملکی
۱۰.....	ورود خلیل ملکی به سیاست
۱۱.....	در تشکیل حزب
۱۲.....	خطر توفان نهانی انتشار روزنامه شاهد
۱۳.....	اداره کردن برنامه سیاست ادیو
۱۴.....	پس از کودتا
۱۶.....	شق دوم ایراد در نحوه عمل
۱۸.....	دو پیشنهاد، سوغات سفر آمریکا
۱۹.....	مرگ ملکی
۲۱.....	مقدمه
۳۳.....	یادداشت ویراستار

بخش نخست: به پیش از توان

۳۷.....	گفتار اول: خلیل ملکی پیش از کودتای ۲۸ مرداد
۴۱.....	گفتار دوم: چشم‌انداز جامعه و دولت ایران به هنگام هجوم خمینی
۴۵.....	گفتار سوم: نمونه‌های برجسته «دولت طبقه حاکم»، در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰
۴۹.....	گفتار چهارم: بر سر کار آمدن دولت قوام، شتاب شاه و بولارد
۵۴.....	شکل گرفتن سیاست آمریکا در ایران
۵۷.....	تذکاریه آمریکا به انگلستان: مبنای سیاست آمریکا در ایران
۵۷.....	برنامه سیاسی آمریکا
۵۸.....	کمیود خواروبار و فشار بر دولت

۵۹	 دستگیری‌ها
۵۹	 پاسخ‌های وزارت امور خارجه انگلستان
۵۹	 سیاست غرب
۵۹	 علت اشغال نظامی طهران
۶۰	 تأثیر در تحویل خواروبار
۶۱	 گفتار پنجم: از فروغی تا ساعد، از شهریور ۱۳۲۰ تا مسأله نفت شمال
۶۹	 گفتار ششم: در راه ملی‌شدن صنعت نفت
۷۵	 گفتار هفتم: تأسیس حزب زحمتکشان ملت ایران: نقطه عطف
۷۸	 انشعاب از حزب توده یک خواسته تاریخی بود
۸۱	 گفتار هشتم: صرح و ارائه لیه ملکی و حزب زحمتکشان نیروی سوم
۸۳	 توطئه اول: خرابکاری حزب توده در حزب زحمتکشان
۸۸	 توطئه دوم: کوشش برای ضعیف کردن حزب زحمتکشان
۹۳	 توطئه سوم: دروغ‌پردازی فتنه‌گری در حزب نیروی سوم
۹۵	 گفتار نهم: کارکرد رجال جبهه ملی و حزب نیروی سوم (خلیل ملکی)

بخش دوم: خلیل ملکی پس از کودتای ۲۸ مرداد

۱۴۱	 گفتار دهم: فعالیت‌های خلیل ملکی پس از کودتای ۲۸ مرداد
۱۴۲	 رابطان دکتر مصدق و خلیل ملکی
۱۴۴	 سیاست آمریکا در ایران و کشورهای شرق
۱۴۵	 تجربه سیاست آمریکا
۱۴۸	 دوره دولت‌های پس از کودتا
۱۵۳	 کوشش جدید سیاست خارجی
۱۵۵	 شاه خبردار می‌شود
۱۵۶	 جبهه ملی دو تکه می‌شود
۱۵۷	 از شایعه‌ها و خوش‌باوری‌ها یا بی‌خیالی‌ها
۱۵۹	 آخرین برخورد شاه و اقبال
۱۶۱	 جبهه ملی سه تکه می‌شود
۱۶۲	 ناگفته‌های ائتلاف در دولت جعفر شریف‌امامی
۱۶۳	 دولت شریف‌امامی دولت محلل نبود؛ کوشش خلیل ملکی برای اتحاد و ائتلاف

۱۶۶	اخبار انتخابات آمریکا و پیشی گرفتن سناتور کندی
۱۶۹	اعلامیه عجیب
۱۷۱	اعلامیه عجیب‌تر
۱۷۴	استمرار دولت شریف‌امامی، یک قدم به سوی زنده‌شدن نهضت ملی
۱۷۷	بمب شاهی و دستگیری و حبس ملکی
۱۷۸	بمب دوم شاهی، برکناری تحقیرآمیز شریف‌امامی
۱۸۰	زندانی شدن خلیل ملکی و محاصره نیروی سوم
۱۸۹	گفتار یازدهم: درره دولت‌های اسدالله علم و علی امینی
۱۹۱	آثاری دیگر
۱۹۴	رنج و کوشش‌ها، دیگر ملکی
۲۲۲	پایان جبهه ملی دوم، مقدمه جبهه ملی سوم
۲۲۷	نامه‌ای که منتشر شد؛ طایفه عجیب
۲۳۱	تشکیل جبهه ملی سوم؛ مقدمه حبس و محاکمه خلیل ملکی
۲۵۲	شاه احساس خطر می‌کند
۲۶۷	جبهه ملی سوم

بخش سوم: محاکمه و دفاعیات خلیل ملکی

۲۷۹	گفتار دوازدهم: گزارشی از کوشش برای انشار دفاعیات
۲۷۹	متن اصلی دفاعیات چگونه گم شد؟
۲۸۳	سرگذشت نشر دفاعیات
۲۸۴	افتادن اصل مجموعه دفاعیات به دست ساواک
۲۸۸	گزارش‌هایی از دستکاری
۲۹۱	جستجو برای یافتن متن اصلی
۲۹۳	مدافعان خلیل ملکی بر اساس متن منتشرشده در جراید

بخش چهارم: سه گفتار در باب ابعاد نظری انشعاب‌های سیاسی

۴۷۱	گفتار سیزدهم: انشعاب، حرکتی جهشی و مرفقی
۴۷۱	نخستین انشعاب، نخستین جهش
۴۷۳	نخستین انتخابات حزبی، ادامه یافتن انشعاب‌ها

۴۷۴	رشد تاریخ دموکراسی مدیون انشعاب‌ها است.....
۴۷۴	گزارشی از روند تاریخ دموکراسی انگلستان.....
۴۷۵	دومین انشعاب تاریخی.....
۴۷۵	زنجیره انشعاب‌ها.....
۴۷۷	انشعاب‌های مارکس و انگلس.....
۴۷۹	گفتار چهاردهم: انشعاب‌ها و ائتلاف‌ها.....
۴۸۰	انشعاب در مجلس لردها.....
۴۸۳	پیرامون دشواری تحلیل تاریخ سیاسی - اجتماعی.....
۴۸۶	تجربه ر شرق.....
۴۸۹	گفتار پانزدهم: برخورد لنین به روند تاریخی سوسیالیسم.....
۴۸۹	تاریخ‌سازی واژگونه.....

بخش پنجم: پیوست‌ها

۵۰۷	[پیوست ۱]: بخشی از مدافعت پاپ‌نوده خلیل ملکی در روزنامه‌ها.....
	[پیوست ۲]: نامه خلیل ملکی به سید علی شریعتی درباره سوسیالیست‌های ایرانی در
۵۳۷	اروپا، ۱۳۴۴.....
۵۴۹	[پیوست ۳]: بازتاب محاکمه خلیل ملکی در روزنامه اروپایی.....
۵۴۹	گزارش یک واقعه.....
۵۶۹	[پیوست ۴]: اسناد ساواک درباره جامعه سوسیالیست‌های ایران.....
۵۹۵	[پیوست ۵]: یادداشت جلال آل‌احمد پس از ختم دادگاه.....
۵۹۹	[پیوست ۶]: گفتگوی امیر پیشداد با احسان نراقی درباره خلیل ملکی.....
۶۰۱	[پیوست ۷]: نامه‌های زندان: دو نامه خلیل ملکی.....
۶۱۷	[پیوست ۸]: نامه سرگشاده خلیل ملکی به اولیاء امور.....
۶۲۵	عکس‌ها.....
۶۴۳	نمایه.....

آشنایی من با خلیل ملکی

در اوایل دهه ۱۳۲۰ من به حلقه خانه ملکی راه پیدا کردم. آشنایی من با خلیل ملکی و همراهان او، بیار اتفاقی بود؛ یا بهتر بگویم، من در سر راه انتخاب قرار گرفتم. در آن سال من به دانشکده پزشکی وارد شده و در کوی دانشگاه (امیرآباد) ساکن بودم. حزب توده زیر عنوان «انسان دانشجویی» سروصدای زیادی به راه انداخته بود و به تقریب، اوقات زیادی از زمان درس و مطالعه دانشجویان دیگر را می گرفت. در کوی دانشگاه این وضع بدتر بود. زیرا استالین و حتی خواب دانشجویان را مختل می کرد. در هر دانشکده و در کوی دانشگاه، پس از رهبر و آریتا تور آزموده برنامه ریزی های این حزب را پی می گرفتند. در کوی دانشگاه ابوالحسن ضیاء ظریفی و در دانشکده پزشکی، رسولی نامی جزو این سردهسته ها بودند.^۱

تعدادی از دانشجویان دنباله روی آنها می شدند. تخریب ناراضی محیط آرام می خواستند اما اعتراض مشهودی نکرده اغلب ساکت می ماندند. کسانی هم مانند من که به هر دلیلی با ایدئولوژی حزب توده مخالف بودند، در سوط دانشگاه و به

۱. ابوالحسن ضیاء ظریفی دانشجوی داروسازی بود. او بعدها با برادرزاده احمد زیرک زاده، از سران جبهه ملی ازدواج کرد. کتابی هم به نام سازمان دانشجویان دانشگاه تهران (نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران ۳۲-۱۳۲۰ش)، نشر شیرازه، ۱۳۷۸، نوشت که در واقع صورت توده ای آن مبارزات است. ابوالحسن و برادرش حسن جزو گروهی توده ای بودند که به کنگره جبهه ملی دوم راه پیدا کرده بود.

خصوص کوی دانشگاه در عذاب بودند و مخالفت و اعتراض می‌کردند. لیکن برخوردها که گاهی تند می‌شد اغلب فردی و کمتر میان چند نفر بود. بالاخره جمعی از این افراد که من نیز جزو فعالان آن بودم، به فکر تشکیل «سازمان صنفی دانشجویان» افتادیم. ابتدا این سازمان در کوی دانشگاه و به تدریج در دانشگاه‌های دیگر تشکیل گردید. چون عنوان «صنفی» در واقع در مقابل «رفتار سیاسی» حزب توده انتخاب شده بود، افراد ساکت و منفعل نیز کم کم به این سازمان‌های صنفی پیوستند یا در اجتماعات آن بیشتر شرکت می‌کردند.

در راه خانه ملکی

یک روز در اجتماع فعالان سازمان‌های صنفی، روبروی دانشکده حقوق اتفاق دیدار با دو تن دست داد که بحث و بیان جالبی داشتند که از نوع سخن‌پردازی توده‌ای‌ها بود. آن دو بحث و جدل و نظریه‌پردازی می‌کردند که برای من جالب بود. در این زمان، در خارج از دانشگاه دکتر ظفر بقایی و هواداران او علیه دیکتاتوری و برای حفظ آزادی انتخابات در قالب دو سازمان جوانان فعالیت می‌کردند. این فعالیت‌ها به دنبال سوء قصد به شاه در برمن ستنش از آن، به راه افتاده بود و بسیار هیجان‌انگیز و هشداردهنده بود. لذا گروهی از جوانان دانشجو و غیردانشجو به آن پیوسته بودند و من یکی از آنها بودم. در برخی از آن توده‌هایی‌ها آن دو دانشجو را می‌دیدم، ولی پیگیر نام و نشان آنها نبودم.

اما سرانجام در جلسات رهبری سازمان صنفی دانشجویی با نام آنها آشنا شدم. آن دو نادر نادرپور و هوشنگ ساعدلو بودند. گاه فرد سومی نیز همراه آنها دیدم که شمس آل احمد بود. در برخی اجتماعات سازمان‌های دکتر بقایی نام آل احمد دیگری به گوش می‌خورد. شاید هم او را دیده بودم، ولی نمی‌دانستم که او جلال آل احمد است. در آن دوره آشنایی‌های مقدماتی دریافتیم که نادر نادرپور و هوشنگ ساعدلو و شمس آل احمد از گروه منشعبان از حزب توده بودند. کم کم من و چند تن دیگر از فعالان دانشجویی با این سه نفر آشنایی بیشتری پیدا کردیم؛ جاذبه‌ای از آن سو و کششی از این سو بود. عصر یک روز به همراه نادرپور و یا ساعدلو به خانه خلیل ملکی در چهارراه پهلوی، بن بست

فردوسی رفتیم. خانه دوطبقه کوچکی بود که طبقه بالای آن در اجاره خانواده ملکی بود. این طبقه دو اتاق خواب و یک سالن متوسط داشت. در این خانه من با خانم صبیحه ملکی و فرزندان کوچک تا نوجوان او آشنا شدم. کمی بعد چهار پنج تن از دوستان که با آنها در سازمان‌ها می‌بودم، وارد شدند. تا غروب آن روز، دو سه نفر دیگر بر تعداد حاضران افزوده شد. خلیل ملکی قامتی نیم بلند و نیم فربه داشت. سر او به شکل مشخصی در دوسوم بالا طاس بود. چشمانی نافذ و چهره‌ای روشن و خندان داشت. او با خوشرویی پذیرای همه بود و به فارسی، با لهجه نسبتاً غلیظ آذری سخن می‌گفت. گرچه بحث او از ابتدا پیرامون محور تاریخ و فلسفه تاریخ دور می‌زد، اما جلسات به صورت منظم برگزار نمی‌شد. با آن که او سیاست و یا حزب توده صحبت نمی‌کرد، اما به شنیدن مسائل و اخبار روز از طرف حاضران رفته‌رفته اشتیاق پیدا می‌داد، گاهی طنز و به خصوص طنزهای مجله توفیق را بازگو می‌کرد و به طعنه‌های دیگران هم گوش می‌داد.

کم‌کم تعداد شرکت‌کنندگان در این جلسه بیشتر شد و لاجرم قرار شد، این جلسه دو روز در هفته برگزار شود. روزهای سینه برای دانشجویان علوم تجربی و چهارشنبه‌ها برای دانشجویان علوم اجتماعی. اما این قرار اغلب اجرا نمی‌شد. برخی از دانشجویان در روزهای دیگر هم می‌آمدند و یا دانش‌جویان دیگر را همراه می‌آوردند. مشکل بزرگ خانه کوچک خلیل ملکی بود. لاجرم در رورسی وسط هفته هم جلسه تشکیل می‌گردید. خواه ناخواه، افرادی آماده می‌شدند که مانند صرح عمل داده‌ای‌ها، رهبری گروه دانشجویان سازمان‌های صنفی را به عهده گرفته، با گروه‌های تبلیغاتی می‌نابله‌کنند. حتی در زمان‌هایی که حزب توده بهانه زدوخورد را فراهم می‌کرد، گروه‌های صنفی جسورانه به آن پاسخ می‌دادند. در مباحثات نیز با طرح و نظر تازه با افراد و گروه‌های توده‌ای برخورد می‌کردند. حزب توده به تدریج در اواخر سال ۱۳۲۸ از منبع این میراث‌ش در برخوردها و مبارزه سازمان‌های صنفی آگاه گردید. لیکن از ناحیه ملکی غیر از این جاسات، فعالیت سیاسی یا نوشتاری، دیده نمی‌شد که حزب توده به معارضه آشکار برخیزد. جلال آل‌احمد در سازمان‌های وابسته به مظفر بقایی فعالیت بیشتری می‌داشت. گهگاه به برخی از جلسات خانه ملکی می‌آمد. او با ما رفتاری دوستانه و رفیقانه داشت و فاصله سنی او با بیشتر دانشجویان حدود شش تا هفت سال بود.

ورود خلیل ملکی به سیاست

در اوایل سال ۱۳۲۹ از دوستان شنیدم که جلال آل احمد می‌خواهد با یکی از دختران همکلاسی خود ازدواج کند. ازدواج او با خانم سیمین دانشور ابتدا سبب شکل‌گیری محفل کوچکی از منشعبان شد که یک بار در هفته در خانه بعضی از این افراد، کسانی چون رحیم عابدی، رضا ملکی، شفیع ملکی و خود جلال تشکیل می‌شد.^۱ چون اوضاع سیاسی ملکت تغییر یافت، و بحث مبارزات نفت و برپایی جبهه ملی پیش آمد، آنان ملکی را به ورود به سیاست و نویسندگی تشویق، بل تحریص می‌کردند.

در ضمن این بحث‌ها ملکی خبردار شد که سران جبهه ملی برنامه‌ای برای تغییر قرارداد ۱۲۸۱-۱۹۲۱ دارند. لذا در تیرماه ۱۳۲۹، و همزمان با ارائه طرح ملی کردن صنعت نفت، وارد فعالیت سیاسی - اجتماعی گردید. عامل مهم دیگر که ملکی را به فعالیت سیاسی ترغیب می‌کرد، محدود و وسیع‌تر دانشجویان و غیردانشجویان از گروه‌های دکتر بقایی به محضر او بود. این ترکیب و تداخل سبب شد که بحث و نظر سیاسی - اجتماعی سازمان‌های بقایی تحت تأثیر رأی‌زحمتگان محفل ملکی قرار گیرد و به گونه نیم‌تشکیلاتی و نیم‌تعلیماتی درآید. در واقع، به سبب این تحول، شاکله حزب زحمتکشان ملت ایران از خانه ملکی پیدا شد. شرح گسترده حوادث این برهه را در مطالبی که در رثای هوشنگ ساعدلو، سیمین نسیم، ناصر وثوقی و دکتر محمدحسین امیرقلی^۲ همکلاسی‌ام نوشته‌ام، آورده‌ام که شاید برای خوانندگان علاقه‌مند مفید افتد.

۲. نگارنده پس از کودتای ۲۸ مرداد، به خاطر علاقه به ملکی وارد این محفل شدم که شرح آن را در مقاله «سیمین در محافل دوستانه و خصوصی» در یادبود سیمین دانشور در مجله نقد و بررسی کتاب تهران، شماره ۹، بهار ۱۳۹۱ آورده‌ام.

۳. نگاه کنید به مقاله‌های نگارنده: «یادی از شصت سال پویندگی»، در مجله نقد و بررسی کتاب تهران، شماره ۳۱، دی‌ماه ۱۳۸۹، ص ۶۴-۶۰؛ «به یاد دوست دیرین، دکتر ناصر وثوقی»، در مجله نقد و بررسی کتاب تهران، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۰، ص ۶۳-۶۰؛ «به یاد دکتر محمدحسین امیرقلی، از یاران خلیل ملکی»، در مجله سیاه‌شان، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۱۷-۱۱۵.